



نشریه ماهانه:

3rd. Series, Issue 121

سری سوم، شماره ۱۲۱
March 2024

اسفند / فروردین ۱۴۰۳

سرمدیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati
E-mail: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضانی

Managing editor: Sharareh Rezaei
E-mail: shararehrezaei.p@gmail.com



مطالب

بهدیه سازمان رهایی زن به مناسبت سال دو

گزارش ها و عکس های ۸ مارس در کشورهای مختلف:

- برلین- آلمان، شراره رضانی
- گوتنبرگ- سوئد، نسیم محمدی
- بلژیک- بروکسل، سعید محمدی
- برگن- نروژ، فریبا رشیدی
- لندن- انگلیس، دیانامی
- گوتنبرگ- سوئد، شریفنا سحر
- زنان کنشگر ایرانی تبعید در برلین

برنامه اقدام مشترک تشکل های مستقل زنان و سازمان رهایی زن به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن، ۵۰ سال مبارزه علیه نابرابری از حجاب تا فقر، سخنران ها:

- زنان کارگر: شراره رضانی
- معضل فقر و نابرابری: مینو همتی
- زندانه شدن فقر: نسیم محمدی

دوروز که از مرز میگذرد بیگانه میشود؟
سروناز احمدی از زندان اوین

ستون آزاد: "دبیرخ"

- سالی پراز سرکوب، محرومیت، بازداشت و شکنجه: دل افروز
- مشکلات روانی زنان و آمار خودکشی و قتل زنان در افغانستان در حال افزایش

ستون خبری:

- صدور حکم بیش از ۶۰ سال حبس برای فعالان حقوق زنان و فعالان سیاسی در کیلان
- این مرگ (سازا تبریزی) به هر شکل و تحت هر شرایطی که رقم خورده باشد، مسئولیت آن با حکومت است

اطلاعات راه های ارتباط با سازمان رهایی زن، برنامه های تلویزیونی و سایت ها و رسانه هایی که می توانید ما را دنبال کنید

زنان و کودکان غزه در آتش و خون و مرگ از گرسنگی و دنیا شاهد هولوکاستی دیگر



به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org



نوروزی دیگر فرامیرسد و نهال جنبش انقلابی زن زندگی آزادی شکوفه خواهد زد



<https://youtu.be/p9YX-izINSQ>

نوروزی دیگر فرامیرسد و نهال جنبش انقلابی زن زندگی آزادی شکوفه خواهد زد و شکستن زمستان سرد و تاریک حاکمیت اسلامی زن سستی را نوید خواهد داد. باشد تا در این ایام به دیدار خانواده های زندانیان سیاسی و جانباخته گان این جنبش و خیزش های قبلی برویم. و در این دیدارها تجدید پیمان خواهیم کرد که به کمتر از برقراری آزادی و برابری رضایت ندهیم. مبارزه در راه رسیدن به فردای بهتر را در همبستگی فعالین جنبشهای زنان، کارگران، فرهنگیان، دانشجویان و دانش آموزان با دستن بهم پیوسته خویش بسرانجام میرسانیم.

نوروزتان پیروز باد!

سازمان رهایی زن

فعالیت‌های واحدهای سازمان رهایی زن به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن در کشورهای مختلف

گزارش ۸ مارس در برلین - آلمان / گزارش از : شراره رضانی

امروز ۸ مارس دوازدهمین و بیست و چهارم، صدما دفر از زنان و مردان آزادی خواه برای گرامی داشت این روز بزرگ در شهر برلین تظاهراتی را برگزار کردند که از گروه‌های مخالف زنان در آن شرکت داشتند.

در این مراسم صدما انسان شریف، در اعتراض به کشتار زنان و کودکان غزه و مردم فلسطین صدای آنها شدند و خواستار تمام شدن کشتار مردم فلسطین بودند. همچنین از مطالبات برحق زنان افغانستان، یمن، سوریه، آفریقا، کردستان، ایران حمایت کردند و در همبستگی با این کشورها صدای مبارزات آنها بودند.

ضمناً پلیس وحشی آلمان تاب حمایت از مردم فلسطین را نیاورد و در بخشی به زنان حمله کرد که با واکنش شدید روبرو شدند و همه یکصد نفریاد زدند؛ مردم برلین از پلیس متنفرند و شرم بر پلیس.

۸ مارس روز جهانی زن بر تمام زنان مبارز علیه ستم و نابرابری مبارک باد
سازمان رهایی زن



گزارش ۸ مارس در سوند-گوتهبرگ گزارش از: نسیم محمدی

<https://youtu.be/sr39GU6b9JU>

تظاهرات بزرگ روز جهانی ۸ مارس به دعوت کمیته ۸ مارس شهر گوتهبرگ، روز جمعه در ساعت ۳:۰۰ از میدان گوستالف آدولف این شهر شروع

شد. سازمان رهایی زن هم یکی از شرکت کنندگان در این تظاهرات بود و گزارش تصویری از این تظاهرات تهیه شده تا با شما همراهان سازمان رهایی زن به اشتراک گذاشته شود.

شعارهایی که توسط کمیته بین شرکت کنندگان توزیع شده بود به زبان سوندی بود.

به اضافه اینکه ما شعارهای: زن، زندگی، آزادی

Kvinna, liv, frihet!-- Ned med islamiska könsapartheid i Iran!

مرگ بر حکومت نژادپرست اسلامی ایران!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

Länge leve jämlikhet-- Länge leve frihet

در پایان راهپیمایی هم سخنرانی و سرود خوانی توسط سوندی ها انجام گرفت.

سازمان رهایی زن



گزارش ۸ مارس در بلژیک-بروکسل / گزارش از: سعید محمدی

<https://youtu.be/DWfqPy-JypA>

همزمان با سراسر دنیا فعالین حقوق زنان در کشور بلژیک هم به مناسبت هشت مارس، روز جهانی زن دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند. این راهپیمایی‌ها در شهرهای مختلف برگزار شد و فعالین سازمان رهایی زن در شهرهای بروکسل و گنت (خنت) در این برنامه‌ها شرکت کردند.

تاکید برگزارکنندگان بر این بود که این روز هشت مارس نه روزی برای جشن که روزی برای مبارزه برای احقاق حقوق زنان در سراسر دنیاست و آن را "روز جهانی مبارزه برای حق زن" نامیدند.

این تجمعات و راهپیمایی‌ها، تحت تاثیر فاجعه‌ی در حال انجام در غزه به پیش رفت و شعارهای زیادی در حمایت از مردم فلسطین و زنان فلسطینی سر داده شد و شرکت کنندگان پرچم‌های فلسطین را هم در دست داشتند. گروه‌های ایرانی و کرد حاضر در این تظاهرات‌ها هم شعارهای "زن، ژیان، نازادی" و "زن، زندگی، آزادی" سر دادند.

در پایان بیانیه‌های مختلفی از کلکتیوها و سازمان‌های فعال در حوزه حقوق زنان بلژیک قرائت شد.

سازمان رهایی زن



گزارش تصویری ۸ مارس در برکن - پروژ اکزارش از: فریبار شهیدی



گزارش ۸ مارس در لندن - انگلیس / گزارش از: دیانانامی



امسال بهمانند سال قبل ایگرو، سازمان حقوق زنان ایرانی و کرد، روز ۸ مارس، روز جهانی زن را همراه با کمیته همبستگی با کارگران ایران و در حمایت از جنبش انقلابی زن، ژیان، آزادی را در اعتراض به جمهوری اسلامی و در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن - انگلستان برگزار کردند. جان مکدونالد، وزیر مالی دولت در سایه حزب چپ لیبرال، در دور قبلی که در این کمیته حضور دارد، در سخنرانی خود از دولت بریتانیا خواست تا در اعتراض به کشتار، اعدام و سرکوب معترضان و زندانیان سیاسی، و نقض حقوق بشر در ایران، سفارت ایران را تعطیل و سفرا را اخراج کند.

نمایندگان اتحادیه های کارگری بریتانیا و احزاب چپ نیز در اعتراض به دولت ایران و در پشتیبانی و همبستگی با انقلاب ژینا، سخنرانی ایراد کردند.

دیانانامی، بنیان گذار و مدیر ایگرو - سازمان زنان ایرانی و کرد، و عضو کانون مرکزی سازمان رهایی زن، همچنین سخنرانی کردند



گزارش تصویری ۸ مارس در سوند / گزارش از: شریفاسحر از انجمن Hope برای احقاق حقوق زنان افغانستان

<https://youtu.be/DS7Puz5lqFY>

به تاریخ هشتم مارچ ۲۰۲۴ (روز جهانی همبستگی زنان) برای تعدادی از زنان در سطح شهر شاخه گلی اهدا کرده و لبخند بر لبانشان هدیه داد.

انجمن HOPE برای احقاق حقوق زنان، مخصوصن زنان افغانستانی از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد، ما در انجمن به این باوریم که زنان قشر عظیم و مهم جامعه است که آینده ی جامعه را رقم می زنند.

به امید برابری اجتماعی به معنای واقعی آن برای تمام اقشار جامعه



گزارش ۸ مارس / زنان کنشگر ايراني در تبعيد - برلين

<https://youtu.be/WqGCqIbjC8>



جنبش زن، ژيان، نآزادي بسر کدام بسستتر سياسي، اجتماعي در جامعه شکل گرفت؟ دستاوردها در ايران، منطقه و جهان؛ راه کارهاي ادامه مبارزه مشترک عليه تمامي اشکال ستم.

در ابتدا سه نفر به نهيانگي از "آکادمي مطالعات زنان افغانستان (اوسا)"، "جامعه زنان آزاد شرق کوردستان (کزار) - برلين"، "جنبش حرکت براي تنغييسر" و پياور برادران اکتوييست کوبير و فمنيست هرکدام ده دقيقه نظر خودشان را در مورد تم بالا بيان کردند. پس از آن ساير شرکت کنندگان نظر خودشان را در مورد ستم و پيا در بر خورد به نظرات مطرح شده بيان نمودند.

بحث ها از زواياي مختلف با گرمي مورد استقبال قرار گرفت و مي توان گفت جلسه خوبي بود. در پايان بنياد زلاوکزامبورک از ما با نوشيدني پذيرايي گرمي نمودند.

گزارش روز هشتم مارس ۲۰۲۴

در اين روز در برلين دوازده تظاهرات برگزار مي شد، مادر دو تظاهرات شرکت داشتيم که يکي در ساعت يازده صبح بود و عمده تا طرف زنان اتحاديه هاي مختلف شهر برلين سازماندهي شده بود. دومي در ساعت ۱۴ برگزار شد که عمده تا توسط زنان مليت هاي متفاوت سازماندهي شده بود.

تظاهرات صبح ما با بنر خودمان حضور داشتيم



برنامه‌ی اقدام مشترک تشکل‌های مستقل زنان و سازمان‌های زن به مناسبت روز جهانی زن با ترمه ۴ سال مبارزه علیه نابرابری از ترمه حجاب تا فقر

چه مقدار ساعات کار، کارخانگی در سیستم مردسالار یا مذهبی به معنی تقلیل مسنولیت ابغای نقش ۲۴ ساعته زنی ست که شبانه روزی باید در خدمت کارهای خانه داری باشد! برای چنین برده داری، نمی شود مرخصی تعریف کرد.

در این به اصطلاح اشتغال دون پایه، هیچ دوره آموزشی برای ارتقاء استعداد زن، غیر از حرفه ای شدن در تمیزکاری یا پخت و پز وجود ندارد، زن خانه دار حق استعفا و یا تغییرشغل بر اساس توانایی و استعداد هایش را ندارد. زن خانه دار با اسم شغل خانه داری بعد از ۳۰ یا ۴۰ سال بردگی بازهم نمی تواند بازنشسته بشود.

رسمیت دادن به خانه داری به عنوان شغل همانند رسمیت دادن به زباله گردی یا پدیده مرگبار کولبری ست که از سربسی مسنولیتی حاکمیت ها و ناچاری مردم، برای لقبه ای نان و زنده ماندن هست که این برای بشریت شرم آورست.

من معتقدم که خانه داری یعنی بردگی کامل زن و باید به طور کامل باید لغو بشود و به بیگاری و استثمار زنان باید پایان داد. تربیت بچه، تمیزکاری، آشپزی، پرستاری و هزاران مسنولیت دیگر که یکجا بردوش یک انسان به اسم زن و خانه دار تحمیل شده، همگی به اعتبار خودش شغل های جداگانه ای هستند که جامعه مسنول آن است که اینجا فرصت ورود به این مباحث نیست.

بحث دوم: زن و کارخانگی ست. شغل هانی که بخصوص در این دوره بخش وسیعی از زنان به عنوان کارهای بدون قرارداد و بیمه مجبور به انجام آن هستند.



زنان کارگر

سخنران: شراره رضانی

و تحقیق‌آمیز که‌هاکان در راس دستورات حکومتی قرار دارد.

اگر نفس مسأله خانه داری را مرور بکنیم، میبینیم که چگونه ابزارهای اعمال حاکمیت تلاش دارد موجودیتی برده وار با فعالیت ۲۴ ساعته را به زنان تحمیل کند. بیگاری شبانه روزی که از کار تمیزکاری، پخت و پز تا رفع و رجوع نیازهای جنسی، تولید مثل و ترو خشک کردن نوزادان، پرستاری از ساکنین خانه و دو جین کارهای دیگری که حتی گذاشتن اسم استنمار یا برده داری خانگی هم، برایش ناچیز هست. زن، در پدیده به اصطلاح خانه داری یا در واقعیت برده داری خانگی، کارگری با کار ۲۴ ساعته بدون اجر و مزد هست و از نظر اقتصادی، کاملاً به مرد و یا شوهر وابسته است و تاریخاً جزء فقیرترین اقشار جامعه محسوب می شود.

در دوره‌هایی فعالین فمینیستی در غرب تلاش کردند به عنوان راه حلی برای این موقعیت غیر انسانی که به زن تحمیل شده، نظریه تعیین حقوق و دستمزد را به عنوان یک شغل برای زنان مطرح کنند.

اما مشکل اصلی این طرح در دنیای واقعی زندگی زنان این است که تعیین دستمزد برای

مسئله زن در جامعه ایران از اهمیت ویژه ای به دلیل ساختار سیاسی و اقتصادی حاکمیت جمهوری اسلامی برخورداره و سوالات و معضلات عدیده ای رو روی میز فعالین این عرصه میزازه. من امروز سعی میکنم گذری مختصر بر سه تم، از این موارد داشته باشم که حاکمیت سعی میکند جایگاه زن را برآن اساس تعریف کند و یا در تقابل با آن برای تعرض به جایگاه زن، نیروی سرکوب خودش را سازمان بدهد. که آن هم اول: موقعیت زن و پدیده خانه داری ست، دوم: زنان در تولیدات و عرصه کار خانگی و نهایتاً جایگاه اشتغال زنان در جامعه ایران هست.

در جوامع مردسالار بالاخص تحت قوانین مذهبی، موجودیت زن را با پدیده ی خانه داری عجین می کنند، گویا خانه داری، جزء لاینفک و تعریف بنیادی زیست و ادامه حیات زن است، که از گذشته تا به امروز به درجات مختلف در اکثریت جوامع، این تعرض به جایگاه و شأن زن، ادامه دارد. در حاکمیت جمهوری اسلامی تلاش برای تشبیت این تعرض کریه، به جامعه و به تمکین کشاندن زنان به این موقعیت دون پایه

زنان جامعه به دلیل بحران عظیم معیشت، دست به تولیداتی می زنند که بنام کارخانگی شناخته شده، که از عروسک سازی و بسته بندی غذاها تا قالی بافی را می شود نام برد. فرش دست باف در این میان در راس قرار دارد که بخش وسیعی از زنان و کودکان را به اشتغال میکشد، صنعت قالی بافی یا مافیای فرش، با پرداخت کمترین دستمزد، در شرایط ناامن و غیربهداشتی محیط کار و ساعت های طولانی کار، سودهای کلان میلیاردي برای سرمایه داری در ایران به همراه دارد. چنین شغل هایی، جزو مشاغل پر خطر و بدون امنیت شغلی و جانی ست. در اشتغال خانگی از هیچ گونه پوشش حمایتی اجتماعی از قبیل قرارداد کار، مقدار ساعات کار، بیمه بیکاری و بیمه درمانی خبری نیست.

درباره آخر مختصر باید به موقعیت دیگری از جایگاه زنان کارگر در ایران اشاره کنم.

اینجا منظورم به طور مشخص موقعیت زنان در بخش اشتغال بیرون از خانه است که شامل بخشهای صنعتی و خدماتی از معلمان، پرستاران، کارخانه های تولیدی و... است. اغلب این زنان از تحصیلات، توانایی، استعداد و تخصص های بالایی برخوردارند، سواى موقعیت سرکوب حاکمیت در تعرض به سطح معیشت کل جامعه برای سودآوری بیشتر و همچنین اعتراضات هر روزه کل جامعه اعم از زنان و مردان در بخشهای مختلف صنعتی و خدماتی و غیره... در جامعه ای با قوانین زن ستیز و تبعیض جنسیتی، زنان نه تنها از امکان برابر برای دریافت حقوق و دستمزد بلکه در الویت های استخدامی هم مورد تبعیض جنسیتی قرار میگیرند. و حتی اگر زنی شاغل باشد، قوانین شرع در خدمت استحکام و قوت بخشیدن به جامعه ی مردسالار، دست مردان را

باز گذاشته است که به هر بهانه ای، زن و همسرشان را می توانند از کار کردن منع کنند و باز هم زن به همان جایگاه نگاه سنتی و ارتجاعی که برای زن تعیین کرده، یعنی خانه داری برگردانده می شود.

این تقابل و کشمکش جدی است که بشریت در جامعه ایران و در راس آن زنان برای بازپس گیری موقعیت برابر، آزاد و انسانی شان هر روزه پیش میروند. یقیناً برای پرداختن به تمامی جنبه های موقعیت زنان به ویژه در جامعه ایران مسائل متعددی هست که باید موشکافانه به آن پرداخت و موقعیت و جایگاه زن در جامعه را باید در عرصه ی تقابل های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که کسب می کند، بنگریم.

به امید رهایی زنان و رسیدن به دنیای آزاد و برابر و با تشکر از همه بینندگان، فعالین و مبارزین این عرصه

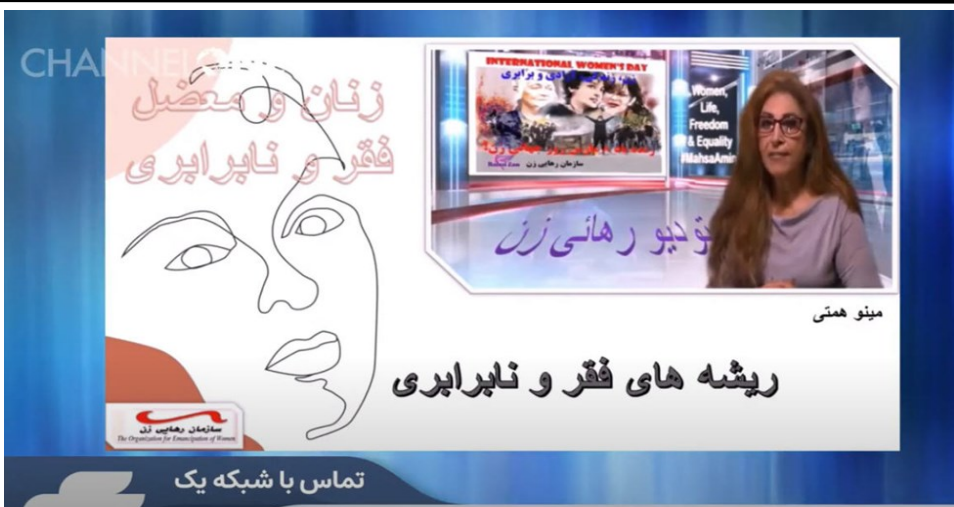
غارت سفره مردم و خراج پروژه های میلیتاریستی کردن و فریبه کردن سران کشوری، لشگری، سرکوبگر و دلالان و سوداگران، را مانیفست بقای نظام برده داری اسلامی کرده است.

مبارزه زنان برای برابری حقوقی و علیه تبعیض از تظاهرات خیابانی و تجمعات روز جهانی زن آغاز و تا آنچه به انقلاب مهسا، زن زندگی آزادی منجر شد، بصورت مقاومت مدنی علیه قوانین قرون وسطانی ادامه دارد.

در مبارزه مردم در ایران، از خانوارهای کارگری، فرهنگیان تا دیگر اقشار زحمتکش تحمیل شده است نیز به مصاف میروند.

برکسی پوشیده نیست که رژیم اسلامی از تامین حداقل معیشت مردم حتی با مسعیرهای نازل بانک جهانی هم سربازمیزند. این در حالیست که سیاست

فقر، تورم، کودکان گرسنه و سفره های خالی، دغدغه روزمره زنان است، هرچه شکاف



زنان و ریشه های فقر و نابرابری
سفره های خالی و کودکان گرسنه
سخنران: مینو همتی

زنان علاوه بر تبعیض و نابرابری حقوقی و اجتماعی که رژیم اسلامی نهادینه کرده است، با فقر و فلاکت اقتصادی که بر زندگی اکثریت

اقتصادی بین طبقات حاکم و اکثریت محروم جامعه ژرفتر میشود، نقش و فعالیت زنان دوشادوش مردان برای عبور از این فلاکت ضرورت بیشتری میآید.

در آستانه هشت مارس روز جهانی زن هستیم، جنبش انقلابی زن زندگی آزادی علیرغم افتد و خیزش و هزینه‌هایی که متحمل شد، نسل جوان و پراثری دیگری را وارد جنبش برابری طلبی زنان کرد که میتواند در پیوند با جنبشهای اجتماعی دیگر مسیر عبور از نظام برده داری موجود را در برآمدهای بعدی هموارتر کند و به این کابوس قرون وسطانی پایان دهد.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن

زنده باد جنبش انقلاب زن زندگی آزادی و برابری.

سرریز شده زنان ایران بودند تا اعلام کند مادر برابر این حجم از نابرابری و تبعیض تسلیم نمیشویم خواسته‌های ما زنان ذیل هیچ مطالبه و خواسته دیگری قرار نخواهد گرفت، بنابراین حتی اگر جنبش در ادامه ی حرکت به سمت سیاسی‌تر شدن رفته باشد، تنها در صورتی میتواند به سرانجام برسد که اولویت مطالبات زنانه برای آزادی و برابری به سرانجام برسد.

مطالبات برابری طلبانه زنان در ایران، جز با سرنگونی جمهوری مردسالار سرمایه داری اسلامی به محقق نمی‌شود.

پس برای از هم گسستن چرخه ی ستم در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، سرنگونی انقلابی این رژیم ضد مردمی و برقراری نظامی که نابودی ستم و نابرابری و برقراری عدالت و برابری را در برنامه کار خود داشته باشد، اجتناب ناپذیر است.



ممنوع کردن سقط جنین و ممنوعیت غربالگری و قرصهای ضد بارداری آنان را به مشابه کالایی در خدمت نظام مردسالار اسلامی قلمداد می‌کند. برای تعریف زنانه شدن فقر لازم نیست به کشورهای آفریقایی نگاه کنیم در همین ایران زنان رانده شده از بازار کار رسمی به کارهای ارزان و موقت روی می‌آورند بدون آنکه بیمه و بازنشستگی و آینده ای داشته باشند.

جنبش زن، زندگی، آزادی بازتاب خشم

زنانه شدن فقر

سخنران: نسیم محمدی

زنان تحت ستم ایران بیش از چهاردهه است که تحت حاکمیت زن ستیز جمهوری اسلامی بار فقر، بیکاری، تبعیض و نابرابری را به دوش می‌کشند.

زنان ایران به عنوان شهروندان درجه دو در مقابل قانون شرع از ابتدایی ترین حقوق خود محرومند و در بازار کار مردانه فرصت های شغلی را از دست می‌دهند.

ایران میان ۱۴۶ کشور در شاخص شکاف جنسیتی جهانی، در رتبه صد و چهل و سوم قرار دارد.

در خانه هم کار بی اجر مزد خانه داری در جهت بازتولید اجتماعی هیچ انگاشته میشود.

حکومت ارتجاعی حتی برای تن زنان هم تصمیم می‌گیرد حجاب اجباری از پایه های این نظام در به انقیاد کشاندن زنان است. دستور به زنان برای افزایش جمعیت امت اسلامی با

نوروز که از مرز میگذرد بیگانه میشود؟ سروناز احمدی از زندان اوین



دوستان و رفقا سلام و نوروز مبارک

سروناز احمدی هستم مددکار اجتماعی و مترجم و بعد از جنبش زن زندگی آزادی زندانی در زندان اوین این نامه ای است در مورد دوستان افغانستانی که در کنارمان در داخل همین مرزها زندگی میکنند امید داریم که این نامه یک طرفه نماند و تبدیل به یک گفتگو شود چون فکر میکنم که در موقعیت فعلی مان نیاز داریم که بیشتر و شفاف تر در مورد «فردا» «و جزئیات» آنچه که میخواهیم باشد با هم گفتگو کنیم.

چند روز پیش شنیدم که طرح جمع آوری اتباع «غیرمجاز» با شروع نوروز در تفرجگاههای تهران شروع شده مدتی قبل هم شنیدم که ویدئویی از ضرب و شتم و تحقیر مهاجر افغانستانی به طور گسترده ای پخش شده در این مدت هم چند باری از دوستانم شنیدم که نوعی فضای افغانستانی ستیزی در شبکه های مجازی شکل گرفته.

من زمانی که آزاد بودم و به عنوان مددکار اجتماعی کار میکردم حدود ۶ سال فرصت آشنایی با دوستان مهاجر افغانستانی را داشتم دوستی هم دارم به اسم یحیی ۱۲ ساله است. مدتی پیش پای تلفن به مادرم گفته بود که در مدرسه دانش آموز دیگری به او گفته «قراره جمعیتون کنن دیگه نمیتونی بری مترو کار کنی دلش شکسته بود اصلا یک جوری از مدرسه بدش آمده بود میخواهم بگویم تینتر این خبرها اگر به زندگی ما که افغانستانی تعریف نمیشویم نمیرسد اما به زندگی و چشمها و نقاشیهای یحیی میرسد. یحیی خوب میداند که نوروز چیست یحیی با خانواده اش بعد از اینکه طالبان در سال ۱۴۰۰ به قدرت رسید آمدند ایران ۲ سال است که نوروز را در افغانستان نبوده من با اینکه بسیار دلتنگ یحیی هستم اما هنوز تلفن زده ام تا نوروز را به او تبریک بگویم چون هنوز نمیدانم چه جوابی بدهم اگر که بپرسد «خانم! آیا نوروز از مرز که رد میشود نوروز دیگری میشود؟ نوروز ما هم مثل خودمان بیگانه است؟ نوروز ما آنقدر نوروز نیست که جایی برای تفریح برویم؟

میخواهم رو به فردا حرف بزنم سوالم این است آیا ما در آن فردایی که در تلاشیم بسازیم باز هم میخواهیم نوعی نظام امتیازوری را باز تولید کنیم و آن زندگی را که در زن «زندگی آزادی از آن میگوییم باز هم منحصر به عده ای خاص کنیم؟ من فکر میکنم که وقتی میگوییم این نباشد آن باشد دیگر نباید این در آن باز تولید شود و اگر این در آن به هر شکلی تداوم یابد ما فقط تغییری ظاهری کرده ایم آیا ما وقتی از فردا حرف میزنیم باز هم اقتصاد سیاسی سرمایه داری را میخواهیم که از فرودست نگه داشتن مهاجران در سطح جهان سود میبرد؟ آیا قرار است در فردا بگذاریم از هویت ایرانی آریایی برای تحت سلطه گرفتن و تحقیر آنها استفاده شود که غیر ایرانی / آریایی تعریف میشوند و باز گروهی امتیازاتی داشته باشند و گروهی دیگر نه؟

فکر میکنم وقت خوبی است که از خودمان بپرسیم چرا سیاست داخل این مرزها در برابر مهاجران همیشه دوگانه بوده؟ چرا همیشه بر افغانستانیها فشار بوده اما نه آنقدری که همه این مرزها را ترک کنند؟ پاسخ این است که چون این اقتصاد سیاسی در هر دوره ای برای پیشبرد پروژه هایی نیاز به نیروی کار بیدی ارزان داشته از نیروی کار بیدی برای پروژه های عمرانی نیهمه کاره مانده از حاکمیت قبلی تا پروژه های شهرسازی و مسکن سازی که نیازمند پاکبان «و کارگر ساختمانی است. آیا رفتاری انسانی است که گروهی مدام با ابزارهای مختلف تحت فشار گذاشته شوند از جمله با تمسخر گویش و لهجه و زبانیشان در برنامه های سخیف طرحهای جمع آوری»، محدود کردن رفت و آمدشان به برخی مکانها و استانها و دامن زدن به باورهای غلطی مثل اینکه اینها همگی مجرمند؟ فکر میکنم تمام این فشارها اعمال میشود تا مدام یادآوری و هشدار داده شود که اینها انسانهای درجه دو هستند پس عیبی ندارد که برخی از حقوق را نداشته باشند. مثلاً عیبی ندارد از گروه این درجه دوها کار بیشتر کشیده شود و مزد کمتر به آنها داده شود و «مزایا» نگیرند! بعد هم گفته شود که اگر بیکاری هست، به خاطر اینهاست.

اما از آن ساختار اقتصادی که نیازمند ارتش بیکاران است چیزی گفته نشود ارتشی که همیشه باید پشت درها باشند تا آن بیکاری که کاری با مزد بخورو نمیر دارند حواسشان باشد که اگر صدایشان در بیاید فوراً کسی هست که جایگزین شان شود یا چیزی گفته نشود از آن نظام اقتصادی که همیشه نیازمند گروه های فرودست به لحاظ اجتماعی است تا استثمار اقتصادی شان را توجیه کند از تمامی این ابزارها استفاده می شود تا از افغانستانیها بیگانه و دیگری ساخته شود. تا من و تو فراموش کنیم که با یحیی در این منطقه هم سرنوشتیم در این منطقه ی «صلحهای موقت بین جنگهای پیاپی فراموش کنیم که جمع مان بزرگتر از اینهاست.

فراموش کنیم و برای مثال اگر کارگریم و در محل کار هنوز تشکلی داریم در روز کارگر مطالبه مان اخراج پدر یحیی باشد به جای اینکه از

تشکل‌مان برای استیغای حقوق پدر یحیی استفاده کنیم تا دیگر این بهانه مطرح نباشد که اینها خود دشان قبول میکنند با مزد کم کار کنند! فکر میکنم باید به سیاست‌هایی معترض باشیم که در دانشگاه‌ها نیروی متخصص تربیت میکنند اما نمیتواند برایشان شغلی فراهم کند فکر میکنم باید به این معترض باشیم که بیکاری و بی‌پولی این نیروهای متخصص با استدلال‌هایی از این دست توجیه میشود که اگر اینها نبودند همین بچه‌های ایرانی خودمون با ایس‌انس حاضرین برن سر ساختمان کار کنن فکر میکنم وقت خوبی است که باورهای رایج در مورد مهاجران را به چالش بکشیم همان طور که دهه‌ها پیش درست نبود بگوییم حالا وقت حرف زدن از مسائل زنان نیست حالا هم درست نیست که رنج مهاجران را اولویت خود ندانیم فکر میکنم که رسیدگی به رنج هیچ گروهی از انسانها نسبت به گروه دیگر در اولویت نیست همین حالا وقت حرف زدن درباره همه این‌هاست. همین حالا وقت حساس بودن به مواضع نژادپرستانه گروه‌ها و جریان‌هاست. فکر میکنم اینکه جریانی از همراهی با زن زندگی «آزادی» بگوید برای اینکه آن را بپذیریم کفایت نمیکند باید از شعار و کلی‌گویی فراتر رویم و بپرسیم و حساس باشیم که در بدیل پیشنهادی زندگی و آزادی قرار است برای چه کسانی باشد؟ همه یا باز هم گروهی خاص بر اساس هویتی خاص؟ آیا در این بدیل باز هم قرار است مرزها انسانها را به بند بکشند؟

یکبار به اردوگاه عسگرآباد رفتم تا تلاش کنم کودکی ۹ ساله و درش رد مرز نشوند یعنی در کمتر از ۲۴ ساعت سوار اتوبوسی نشوند و به آنجایی که از آن به اینجا پناه آورده‌اند «بازگشت» داده نشوند. حشمت بعد از طالبان به ایران آمده بود و وقتی من دیدمش به خاطر اضطراب‌هایی که در آن فضای جنگ و خشونت تحمل کرده بود لکنت زبان داشت تازه لکنت زبانش بهتر شده بود که با پدرش جمع‌آوری شدند از نوشتن کلمه جمع‌آوری در مورد یک انسان شرم میکنم در اردوگاه از او پرسیدند که دوست دارد با پدرش به افغانستان برگردد و یا با «خانم» یعنی من در اینجا بماند؟ حشمت اینجا را انتخاب کرد از آن روز هر وقت که بیاد می‌آید فقط از خودم می‌پرسم که مگر در سرزمینشان چه میگذشت که حشمت ۹ ساله پدرش را رها میکرد؟ و بعد هم گریه‌های زنی را به یاد می‌آورم که می‌گفت «خانم شما نمیدانید اینکجا اجبار شوید و وظیفه‌تان (کارتان) را در وطنتان رها کنید یعنی چه تاجیکها اصطلاحی دارند تحت عنوان مهاجرت محنتی و معنایش آن نوع مهاجرتی است که به اجبار و از روی محنت و رنج انجام میشود من قبل از هر قضاوتی سعی میکنم این مهاجرت محنتی را به یاد بیاورم فکر میکنم همانقدر که سلب حقوقی از گروهی به واسطه جنسیت‌شان دین و مذهب‌شان نژادشان قومیتشان طبقه‌شان معلولیت‌شان داشتند شناسنامه نداشتندشان و چیزهایی از این دست غیر انسانی است سلب حقوق گروهی به خاطر ملیتشان هم غیر انسانی است.

میخواهم خواهش کنم که به باورهای غلط رایج در مورد افغانستانی‌ها تن ندهیم چیزهایی از این قبیل که اینها همگی مجرمند نمیخواهم بگویم که هیچ فرد افغانستانی امکان ندارد مرتکب جرم یا جنایتی شود. میخواهم بگویم که ما بعد از اینکه به ستایش ۶ ساله افغانستانی توسط پسر ایرانی تجاوز شد و بعد ستایش کشته شد رویش اسید ریخته شد و سوزانده شد نکفتم که ایرانیها همه متجاوزند میخواهم بگویم این باورهایی را که رفتاری را به ذات ملیتی نسبت میدهند کنار بگذاریم باور دیگری هم هست که اینها به فرهنگ ما لطمه میزنند هر فرهنگی ممکن است عنصری آسیب‌زا داشته باشد. اصلاح آن نیازمند آموزش است و من فکر میکنم تا زمانی که گروهی طرد و به حاشیه رانده شود نه به اندازه سایرین به آموزش دسترسی پیدا میکنند و نه جرئت میکنند انجام سنتهای آسیب‌زا در فرهنگش را کنار بگذارند تا مبادا از جامعه کوچک خودش هم طرد شود گاهی شنیده‌ام که برخی میگویند «تقصیر خودشان است که کشورشان را داده‌اند دست طالبان و

مقاومت نکرده‌اند. من فکر میکنم اتفاقاً مقاومت کرده‌اند و همچنان هم مقاومت میکنند. من باور دارم که هر جاستمی هست مقاومتی هم هست. اما مسئله این است که مقاومتها به ما نشان داده نمیشود. میخواهم خواهش کنم که برای لحظاتی فریادهای آن زن افغانستانی بعد از به قدرت رسیدن طالبان را به یاد بیاورید ما از مرگ نمیتوانیم ما نسل نامیرا هستیم ما آزادی را شکوفا مسازیم. این فقط درماندگی‌ها و قربانی شدن‌هاست که به ما نشان داده میشود تا گفته شود که ما نیازمند نجات‌دهنده‌ایم که ما خودمان از پس مشکلاتمان برنمی‌آییم و ما خودمان نمیتوانیم تعیین کنیم سرنوشتمان چه باشد.

تاریخ به ما نشان داده که نجات‌دهنده در آینده است منجی‌های دیگر هر زمان که صرف کنند گاهی با و امه‌های کلان و گاهی با تفنگ‌هایشان می‌آیند و هر زمان هم که صرف نکنند می‌روند و هیچکس هم نقششان در قدرت گرفتن گروه‌های بنیادگرا را به رویشان نمی‌آورد همین گروه‌هایی که هر وقت صرف نمیکند می‌گویند «فرهنگ» عقب مانده خود این جهان سومی‌هاست که گره خورده با «ترویس» و به ما ربطی ندارد در آخر میخواهم بگویم که ما در این منطقه که برپایه ویرانی‌های پیش در جاهای دیگر آبادانیهای بسیار شده هم سرنوشتیم و دست‌هایمان با دست‌های هم بیگانه نیست و هیچکسی با به بند کشیدن دیگری خود به‌رهایی نمیرسد.

عضو کوچکی از آن جمع و جنبشی که میخواهد برای کودکان افغانی

سروناز احمدی ه فروردین ۱۴۰۲

سالی پراز سرکوب، محرومیت، بازداشت و شکنجه دل افروز



مبدل گردیده است.

قابل ذکر است که یکی از موارد نگران کننده دیگر برای مردم افغانستان در سال گذشته، غارت سرمایه‌های ملی و معادن کشور توسط طالبان بوده و هست.

همچنان ادامه می‌دهد که این گروه در حالی که هیچ‌گونه مشروعیت ملی و بین‌المللی ندارند، بدون راه‌کاری مشخص و قانونی دست به غارت "سرمایه‌های ملی" و "معادن" کشور زده و تنها برای بقا و تداوم حکومت نامشروع‌شان، بدون این‌که به مردم افغانستان پاسخ‌گو باشند؛ پروژه‌های بزرگ ملی را با کشورهای حامی‌شان در منطقه عقد نموده‌اند که هیچ‌گونه تأثیر مثبتی بر زندگی مردم افغانستان و کاهش فقر نداشته است.

این جنبش می‌افزاید، طالبان گروه متحجر و فرهنگ‌ستیز طالب، مانع تجلیل از نوروز باستان گردیده و رخصتی روز نخست سال را از تقویم رسمی کشور حذف کرده‌اند. طالبان و هم‌فکران کوتاه‌نگر و متعصب‌شان باید بدانند که تجلیل از "نوروز" در افکار و باورهای مردمان این سرزمین جا گرفته و با تاریخ و اعتقادات‌شان عجین و ماندگار گردیده است. گرامیداشت از جشن باستانی "نوروز" در حقیقت نقطه وصل اقوام مختلف کشور است.

جنبش شنبه‌های ارغوانی در این اعلامیه می‌گوید: ما در "جنبش شنبه‌های ارغوانی"، مبارزه در برابر ظلم و جنایات ضد بشری و اسلامی طالبان را مسنولیت ایمانی و انسانی خویش دانسته و با حفظ هویت، تاریخ، میراث‌های شکوهمند نیاکانمان و گرامیداشت از جشن باستانی و پرافتخار نوروز، تعهد می‌سپاریم که در سال ۱۴۰۳ هجری شمسی، با

نوروز، انتخابات و مردم‌سالاری بیگانه بوده و توانایی کنار آمدن با مردم افغانستان و جامعه جهانی را ندارند. «طالبان با سرکوب و وحشیانه، صدای عدالت‌خواهی شهروندان را خفه و برابین‌باورند که هرگونه انتقاد از حکومت خودخوانده‌شان جرم بوده و بارها مقامات این گروه بیان کرده‌اند که انتقاد کنندگان "واجب القتل" هستند».

این جنبش همچنان گفته است که ادامه سیاست‌های حکومت خودخوانده و نامشروع طالبان در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، علاوه بر افزایش بحران‌های حقوق بشری، ترویج افراطیت خشونت‌محور، انزوای بین‌المللی افغانستان، آینده مبهم، بی‌کاری، گرسنگی و فقر اقتصادی و افزایش بی‌سوادی باعث گردید تا افغانستان یک‌بار دیگر غمگین‌ترین کشور جهان شناخته شود.

در ادامه آمده، طالبان بدون کوچک‌ترین توجه به درد و رنج مردم افغانستان، در سال گذشته به گونه‌ای سیستماتیک، امنیت روحی و فیزیکی شهروندان مخصوصاً زنان و اقوام آسیب‌پذیر را سلب نموده و زیر نام تطبیق احکام شریعت محمدی به تعصبات قومی و زبانی دامن زده و با کوچ اجباری ساکنین بومی به‌ویژه در ولایات شمالی و مناطق هزاره نشین، فاصله‌ها میان اقوام افغانستان را بیشتر نموده‌اند.

جنبش شنبه‌های ارغوانی می‌افزاید که در سال گذشته برخلاف ادعای طالبان، کشت قاچاق مواد مخدر در سطح کشور به‌ویژه شمال کشور به گونه‌ای نگران‌کننده افزایش یافته و افغانستان تحت کنترل این گروه به "خانه امن" گروه‌های تروریستی دیگری چون داعش، القاعده، تحریک طالبان پاکستانی

جنبش شنبه‌های ارغوانی متشکل از زنان متعرض افغانستان، امروز (اول سال ۱۴۰۳) با نشر اعلامیه‌ای گفته است: "طالبان در سال گذشته، زیر نام تطبیق فرهنگ افغانستانی و اسلامیت، سیاست تبعیض جنسیتی بی‌رحمانه‌ای را علیه زنان و دختران به‌هدف حذف آنان از جامعه افغانستان شدت بخشیده و حتی دست به اختطاف آنان زدند که متأسفانه همین اکنون نیز این سرکوب غیرانسانی ادامه دارد."

در اعلامیه این جنبش آمده است که متأسفانه در سال ۱۴۰۲ برای شهروندان افغانستان به‌ویژه زنان، حرکت‌های اعتراضی و اقوام آسیب‌پذیر، سالی پراز سرکوب، محرومیت، بازداشت، شکنجه، ظلم و ستم بود. طالبان زیر نام تطبیق فرهنگ افغانستانی و اسلامیت، سیاست تبعیض جنسیتی بی‌رحمانه‌ای را علیه زنان و دختران به‌هدف حذف آنان از جامعه افغانستان شدت بخشیده و حتی دست به اختطاف زنان و دختران مخصوصاً بانوان "تاجیک" و "هزاره" زدند که با تأسف همین اکنون نیز این سرکوب غیرانسانی ادامه دارد.

این جنبش افزوده است که گروه طالبان در نزدیک به سه سال گذشته اثبات کرده‌اند که با ارزش‌هایی چون، حقوق بشر، حقوق زنان،

ایجاد "انسجام ملی" میان مخالفین سیاسی طالبان، نخبگان، روشن فکران، نظامیان پیشین، ورزشکاران، اساتید دانشگاهها و سایر اقشار جامعه افغانستان به هدف نابودی حکومت خودخوانده و زن ستیز طالبان و شکل گیری "حکومت مشروع، دموکراتیک و غیر متمرکز"، تلاش بیش تر نماییم."

این جنبش از مردم افغانستان به ویژه زنان و اقوام آسیب پذیر خواسته که منتظر "معجزه" نبوده و جهت پایان "مرگ تدریجی" و تأمین حقوق و آزادی های از دست رفته شان با ندای حق، عدالت و آزادی، از بدیل حکومت خودخوانده طالبان حمایت نمایند.

مشکلات روانی زنان و آمار خودکشی و قتل زنان در افغانستان در حال افزایش

طریق نظر سنجی های انفرادی از راه دور مصاحبه کردند؛ در مجموع صحبت های ۹۲ زن در ۲۲ ولایت از ۲۴ ولایت افغانستان، مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس گزارش ها، زنان مصاحبه شونده از مشکلات روانی از جمله افسردگی، بی خوابی، از دست دادن امید و انگیزه، اضطراب، ترس، پرخاشگری و رفتارهای انزوا طلبانه فزاینده و افکار خودکشی صحبت کرده بودند.

تحقیق دیگر سازمان ملل که در ماه مارچ ۲۰۲۳ برای سنجش میزان افسردگی میان زنان افغانستان انجام شده است، نشان می دهد که حدود ۴۷٫۶ درصد پاسخ دهندگان (۱۰۰۰ تن) هر کدام حداقل یک زن یا دختر را می شناختند که از اگوست ۲۰۲۱ بدین سو از اضطراب یا افسردگی رنج می برد.

همچنین حدود ۲۷٫۸ درصد از پاسخ دهندگان (۱۶۴ تن) نیز هر کدام یک زن یا دختر را می شناختند که اقدام به خودکشی کرده است. در همین حال روزنامه «گاردین» نیز با نشر مقاله تحقیقی در مورد افزایش خودکشی در میان زنان و دختران در افغانستان گفت است که ۷۵ درصد زنان، بیشتر از مردان در افغانستان اقدام به خودکشی می کنند. این روزنامه در ادامه این مقاله، قصه دختری را منتشر کرده و گفته است که وی آرزو داشت در آینده داکتر شود؛ اما همین که از رسیدن به آرزویش ناامید شد، اقدام به خودکشی کرد. در ادامه آمده است که بسیاری از موارد خودکشی زنان در افغانستان/

بر مردم و به خصوص زنان هر روز افزایش می یابد.

در این میان زنان بیشتر از مردان با مشکلات روانی روبه رو هستند؛ زیرا با تسلط گروه تروریستی طالبان بر افغانستان، زنان و دختران بار دیگر در چارچوب های تنگ اجتماع اسپر شدند و محروم شدن زنان از کار، فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همچنان بسته شدن مکتبها و دانشگاهها به روی دختران باعث شده تا افسردگی و مشکلات روانی در میان دختران به میزان قابل توجهی افزایش یابد.

با این همه آمار رسمی در مورد رقم مبتلاها به بیماری های روانی در افغانستان بعد از تسلط گروه طالبان وجود ندارد؛ اما بر اساس گزارش مشترک سازمان ملل، سازمان بین المللی مهاجرت و مأموریت کمک رسانی سازمان ملل که در ماه سنبله سال گذشته منتشر شد، سلامت روان زنان در افغانستان که تحت محدودیت های شدید گروه طالبان قرار دارند در حال وخیم شدن است.

بر اساس این گزارش احساس اضطراب، انزوا و افسردگی بین ماه های حمل تا جوزای سال ۱۴۰۲ به طور قابل توجهی افزایش یافته، طوری که میزان افسردگی زنان در افغانستان به ۷۷ درصد رسیده است.

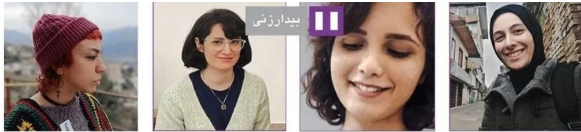
این سازمانها با زنان افغانستانی به صورت آنلاین، حضوری، مشاوره گروهی و نیز از



پس از تسلط گروه طالبان بر افغانستان، وضعیت معیشت و زندگی اجتماعی مردم دچار دگرگونی عمیقی شد و اعمال محدودیت های اجتماعی از سوی این گروه، مردم را بیشتر از پیش در تنگنا قرار داد، در کنار این موارد، افزایش بیکاری و فقر باعث شده است که مردم افغانستان با گذشت هر روز با مشکلات روانی بیشتری گرفتار شوند.

داکتر حنان بلخی، مدیر منطقه ای سازمان جهانی صحت برای شرق مدیترانه به تازگی در نشست «بررسی بحران سلامت روان و اختلال مصرف مواد مخدر در افغانستان» گفته است که بیش از ۵۰ درصد جمعیت افغانستان با ناراحتی های روانی دست و پنجه نرم می کنند و این مورد روی کیفیت زندگی آنها تأثیر گذاشته است.

اما این آمار در شرایط کنونی افغانستان که محدودیت های شدید اجتماعی بر مردم و به خصوص علییه زنان از سوی طالبان وضع شده غیر واقعی به نظر می رسد، زیرا گزارش هایی که از آمار خودکشی ها در رسانه ها نشر می شود؛ نشان می دهد که فشارهای روانی

صدور حکم بیش از ۶۰ سال حبس برای فعالان حقوق زنان و فعالان سیاسی در گیلان

بیش از شصت سال حبس برای یازده فعال حقوق زنان و فعال سیاسی در گیلان

صبح امروز هشتم فروردین ماه، حکم بازداشت شدگان مردادماه ۱۴۰۲ در گیلان توسط شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت به ریاست قاضی مهدی راسخی صادر شد.

بر اساس این احکام:

«زهره دادرس» (به ۹ سال و ۶ ماه حبس) (به اتهام تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت ملی به ۶ سال و یک روز حبس تعزیری

و به اتهام اجتماع و تبانی، به ۳ سال و شش ماه و یک روز حبس تعزیری) محکوم شد. همچنین «فروغ سمیع نیا»، «سارا جهانی»، «یاسمین حشدری»، «شیوا شاه سیا»، «نگین رضایی»، «متین یزدانی»، «آزاده چاووشیان» و «زهره دادرس» هر یک به ۶ سال و ۳ ماه و ۱۷ روز حبس (اجتماع و تبانی به سه سال و شش ماه و یک روز حبس و برای اتهام عضویت در گروه، به دو سال و هفت ماه و شانزده روز حبس) محکوم شدند.

از سوی دیگر «جلوه جواهری» و «هومن طاهری» (به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شدند.

صبح روز ۲۵ مردادماه ۱۴۰۲، این فعالان حقوق زنان و فعالان سیاسی با یورش ماموران امنیتی به منازل خود در شهرهای رشت، انزلی، لاهیجان و فومن بازداشت شدند.

پس از گذران قریب به دو ماه، همگی این فعالین در فواصل زمانی متفاوت، با تودیع قرار وثیقه به صورت موقت از زندان لاکان رشت آزاد شدند.

این مرگ به هر شکل و تحت هر شرایطی که رقم خورده باشد، مسئولیت آن با حکومت است

نرگس محمدی، ناهید تقوی، آیشا اسداللهی، سپیده قلیان، ریحانه انصاری نژاد، محبوبه رضایی، مریم حاج حسینی، گلرخ ایرایی از زندان اوین ۱۱ فروردین ۱۴۰۲



یک هفته در کنارمان بود.

با ترس هایش که برای مان بیگانه نبود. از شبهای تنها ماندنش در سلول انفرادی برابمان گفت و وحشتش از عملی شدن تهدیدهای بازجو می گفت بعد از سه شب انفرادی در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات از شدت ضریبان قلب و حمله های عصبی به بهداری منتقل و بعد از تجویز پزشک به سلول چند نفره برده شد. از فردای آن روز در اتاق بازجویی تحت فشار قرار میگرفت که در صورت عدم همکاری به شرایط قبل برگردانده میشود. نمیدانست منظور از همکاری چیست. فقط میدانست نمیخواهد اسیر اوهامی که دچارش بود بشود.

سارا تبریزی دختری بیست ساله و بدون تجربه ای مواجهه با چنین فضایی چند روز پیش از آنکه سرو کارش با نیروی امنیتی بیافتد قصد داشت ایران را به مقصد آرزوهایش ترک کند.

اگر سارا در جامعه ای، آزاد بدون سرکوب و بدون تبعیض، ستم و استثمار زندگی میکرد نه تصمیم به ترک کشور میگرفت و نه دچار چنین پایان تلخی میشد.

سارا پس از آنکه از زندان به قید و وثیقه آزاد شد؛ مفهوم همکاری را.. فهمید تماسهای مکرر و پیشنهادهای بازجو به آنچه سارا حاضر به تن دادن به آن نبود و در ادامه تهدید به بازداشت دوباره و افشای اطلاعات خصوصی اش.

چهارم فروردین، سارا احضاریه ای از اداره اطلاعات تهران دریافت و یک روز پس از آن به کام مرگ کشیده میشود.

این مرگ به هر شکل و تحت هر شرایطی که رقم خورده باشد، مسئولیت آن با حکومت است. همچون مرگ هزاران نفری که تحت سیطره ای حکومت ها طی دهه های دیکتاتوری فاشیستی سر به دار، سر به نیست و مفقود شده اند همچون بسیاری از کسانی که چشم هایشان را از دست داده اند یا به طریقی دچار نقص عضو شدند. همچون بسیاری از فرزندانمان که برای امنیت بیشتر یا رسیدن به رویاهایشان و اداریه ترک وطن شدند و بسیاری از کسانی که سالها در اسارت مانده اند و چراغ خانه های شان خاموش شد. اگرچه حکومت پاسخگو نخواهد بود و در صورت ضرورت با دسیسه ای دیگر سعی در فرافکنی خواهد نمود، اما مسئولیت این جنایت نیز مانند آنچه پیشتر مرتکب شد به عهده اش خواهد بود و روزی در پیشگاه مردم و ادار به پاسخگویی خواهد شد.

اطلاعات راه های ارتباط با سازمان رهائی زن، برنامه های تلویزیونی، سایت ها و رسانه های که می توانید ما را دنبال کنید

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهائی زن را می توانید از طریق آدرسهای زیر دنبال کنید و با ما همراه شوید.

سایت سازمان رهائی زن

Rahaizan.org

انتشارات رهائی زن

<https://newsletter.rahaizan.org>

بلاگ آرشیو مقالات ماهنامه رهائی زن

<https://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی، مصاحبه ها و گزارشات

RahaiZan.tv

به جنبش رهائی زن بپیوندید

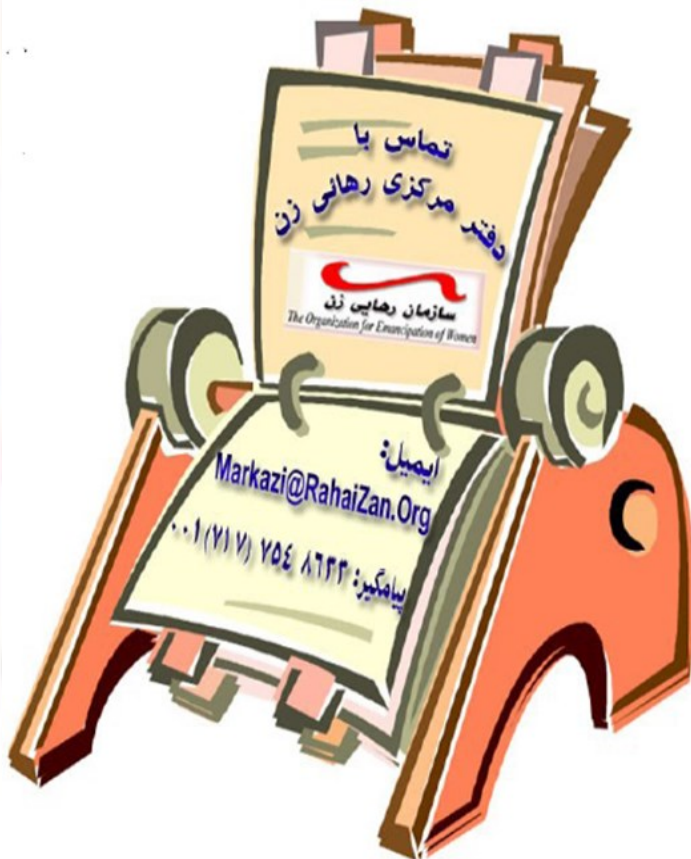
<https://www.facebook.com/groups/jonbesherahizan>

راه های ارتباط با ما

برنامه تلویزیونی رهائی زن از کانال یک "روی ماهواره های یوتل ست ویست پنچش" شود، فرکانس، ساعات

پخش و مشخصات ماهواره در وب سایت زیر به روز می شود

RahaiZan.tv



Markazi@rahaizan.org